



نگاهی به ماهیت و چرایی سیاست خصمانه واشنگتن علیه ایران

دشمنی تا عمق روستا



سرمقاله

بنیادین تغییر نمی‌کند. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که این مسیر علاوه بر هزینه‌های انسانی و اجتماعی، الزاماً به نتیجه مطلوب طراحان آن نیز منتهی نمی‌شود. اقتصاد ایران تحت شدیدترین محدودیت‌ها قرار گرفت، اما پیش‌بینی‌های مکرر درباره فروپاشی قریب‌الوقوع محقق نشد. همین تداوم فشار و سخن گفتن از تشدید آن، خود گواهی بر ناکامی در دستیابی به هدف است. در نهایت پرسش اساسی درباره تناقضات این راهبرد است. آیا می‌توان با هدف قرار دادن معیشت مردم عادی مدعی حمایت از همان مردم بود؟ آیا فشار بر روستاییان، کارگران و اقشار کم‌درآمد می‌تواند عنوان «دفاع از حقوق بشر» بگیرد؟ آیا طراحان این جنگ و عاملان این جنایت گمان می‌کنند مردم ایران از ساکنان کلان شهرها گرفته تا اهالی روستا، متوجه این تناقضات کلیدی نیستند؟ شاید هم می‌دانند و این جنایت‌ها را به مثابه تنبیهی در برابر استقلال‌خواهی و بواج ندادن این ملت فهیم می‌بینند! ■

وقتی در همان چارچوب تأکید می‌شود که فشار باید به روستاها نیز برسد کذب بودن این ادعاها اثبات می‌شود. در چنین شرایطی مفهوم «تروریسم اقتصادی» مطرح می‌شود. اگر هدف گذاری آگاهانه بر معیشت مردم برای وادار کردن آن‌ها به تغییر سیاسی باشد این دیگر ابزار دیپلماتیک نیست، تحمیل رنج اجتماعی برای تحقق مقاصد سیاسی استکباری است. از منظری متفاوتی نمی‌کند این فشار از مسیر بمب و موشک اعمال شود یا از مسیر انسداد مالی و تحریم بانکی؛ آنچه تعیین‌کننده است، هدف قرار گرفتن زندگی مردم عادی است. نکته مهم دیگر ماهیت فراجزبی این رویکرد در سیاست آمریکا است. در فضای داخلی آمریکا، رقابت میان دو حزب اصلی گاه به شدیدترین سطح خود می‌رسد اما در قبال ایران، همکاری معناداری وجود دارد. تفاوت‌ها بیشتر در لحن و تاکتیک است. یک دولت با عنوان «فشار حداکثری» عمل می‌کند و دیگری با ادبیات دیپلماتیک‌تر همان ابزارها را حفظ یا بازتنظیم می‌کند اما منطق

فشر عجیب نیست. اما همین چند جمله برای فهم ماهیت سیاست تحریم‌ها نیز کافی است. مسئله فقط اختلاف سیاسی یا چانه‌زنی دیپلماتیک نیست. بحث بر سر یک راهبرد کلان است که اقتصاد را به میدان جنگ و حمله به معیشت مردم عادی را به ابزار فشار تبدیل می‌کند. در اینجا نکته‌ی بسیار مهمی وجود دارد و آن اینکه، وقتی از ادامه و تشدید فشار اقتصادی سخن گفته می‌شود یک واقعیت ضمنی نیز در آن نهفته است: سیاست‌های پیشین به هدف اعلامی خود نرسیده‌اند. سال‌ها تحریم گسترده نفتی، بانکی و مالی علیه ایران اعمال شد، محدودیت‌های بی‌سابقه‌ای بر مبادلات ارزی و دسترسی ایران به نظام مالی جهانی تحمیل گردید اما هنوز سخن از فلج کردن بیشتر به میان می‌آید. اگر آنچه اجرا شده موفق بود نیازی به طرح دوباره این راهبرد نبود. این اعتراف مقام ارشد آمریکایی در عین حال پرده از یک تناقض آشکار برمی‌دارد. سال‌هاست مقامات آمریکایی مدعی هستند تحریم‌ها «هوشمند» است و مردم ایران هدف تحریم‌ها نیستند. اما

آمریکادر بیش از ۴ دهه‌ی اخیر تمام روشها را برای وادار کردن ایران به عقب‌نشینی و تسلیم به کار گرفته است اما نتیجه‌ی این راهبردها برخلاف پیش‌بینی واشنگتن بوده است. اظهارات اخیر نانسی پلوسی رئیس اسبق مجلس نمایندگان آمریکا هم اعتراف به شکست سیاست‌ها و فشارهای آمریکا علیه ایران است و هم از ماهیت واقعی سیاست تحریمی واشنگتن پرده برمی‌دارد. پلوسی صراحتاً اعلام کرده که می‌توان بدون توسل به نیروی نظامی و از طریق فلج کردن اقتصاد به هدف سیاسی در ایران رسید و حتی تأکید کرده فشار اقتصادی باید به گونه‌ای باشد که اقشار روستایی و گروه‌های سنتی نیز آن را احساس کنند. قبل از هر چیز باید گفت این سخن، یک اعتراف بزرگ و ناخواسته در دل خود دارد؛ ریشه‌های محبوبیت و اقتدار جمهوری اسلامی ایران تاروستاهای کوچک و دورافتاده کشور نیز ادامه دارد. روستائییانی که اغلب صدا و جایی در رسانه‌ها ندارند اما به وقتش و آنجا که لازم باشد، برای دفاع از کشور و انقلاب به میدان می‌آیند و نقشی قابل توجه در معادلات دارند. از این منظر، کینه دشمن از این

پیام صوتی یک هموطن ایرانی خطاب به نیروهای مسلح ایران	به عنوان یک ذره از دریای خروشان خشم و قهر الهی، از کشور مقتدر ایران زمین، کشور حضرت صاحب الامر علیه السلام، از شما شیر بچه‌های حیدر کرار تقاضا دارم با تمام توان بر این لشکر کفر و استکبار ببارید و بتازید.	الله اکبر! این صدای ملت قهرمان ایران است. سلام بر شما شیرمردان عرصه نبرد با سrdسته لشکر کفر و شیطان، آمریکای جنایتکار.	سازمان این صدای ملت ایران است
--	---	---	---

تحلیل سّدی در برابر توسعه‌طلبی صهیونیستی

ایران امروز سنگر دفاع از منطقه در برابر توسعه‌طلبی‌های اسرائیل و آمریکا است. این گزارشی است که یکی از رسانه‌های عرب‌زبان منطقه دربارهٔ ماهیت فشارهای اخیر به ایران منتشر کرده است. برخی جوامع منطقه که روزگاری به اشتباه تصور می‌کردند ایران خصم منطقه‌ای آنهاست حالا در بخش‌های میانه‌روی خود با این واقعیت روبه‌رو شده‌اند که ایران نه تنها در حال پرداخت بهای استقلال خود است بلکه مدافع همهٔ جریان‌هایی محسوب می‌شود که با هژمونی آمریکا و نایب منطقه‌ای آن رژیم صهیونیستی سر ستیز دارند و معتقدند نظم منطقه باید برآمده از بلوک طبیعی و بومی غرب آسیا باشد. در این نگاه حالا ایران دیوار محکمی است که باید در برابر توسعه‌طلبی‌های رژیم صهیونیستی از آن حمایت کرد. ایران مدافع نظم است که از درون همکاری‌های منطقه‌ای جوشیده باشد فارغ از فشارهای فرمانطقه‌ای. ایران و مقاومتش اگر نباشد همه باید مهرهٔ نظم صهیونیستی آمریکایی منطقه شوند. نظمی که البته عمود آن بر مبنای منافع اقتصادی، سیاسی و ژئوپلیتیکی صهیونیست‌ها تنظیم شده. این همان نقطه‌ای است که جریان‌های میانه‌روی منطقه از آن احساس خطر کرده‌اند و باعث تجدیدنظر آنها دربارهٔ ایران شده است.

قاب خانواده‌ای که همگی در جنگ ۱۲ روزه شهید شدند

خانواده دانشمند هسته‌ای، شهید ساداتی ارمکی، در راهپیمایی ۲۲ بهمن سال ۱۴۰۳ حضور داشتند، تمام اعضای این خانواده در جنگ ۱۲ روزه شهید شدند.



فرزند ایران هفت ماهگی در آغوش آرامش

زهرّا ذاکریان امیری هنوز حرف زدن بلد نبود؛ دنیایش خلاصه می‌شد در گرمای آغوش مادر و صدای آرام پدر. هفت‌ماهه بود و زندگی را با لمس می‌فهمید؛ با نوازش دست‌های زینب، مادرش و با ضریان قلب محمدرضا، پدرش، وقتی او را روی سینه‌اش می‌گذاشت. برای زهرّا، پدر و مادر، خود جهان بودند. زینب، آرامش را بلد بود؛ همان آرامشی که بی‌دریغ در مدرسه به شاگردانش می‌بخشید، در خانه به نوزاد هفت‌ماهه‌اش می‌نشانَد. محمدرضا، با همه‌ی دغدغه‌های علمی و مسئولیت‌های بزرگ اجتماعی، وقتی به خانه می‌رسید، دنیا را کوچک می‌کرد تا فقط پدر باشد. زهرّا در خانه‌ای رشد می‌کرد که عشق، بی‌صدا جریان داشت. اما سرگناه ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، در حمله موشکی رژیم صهیونیستی به مناطق مسکونی شهرک شهید چمران، این آرامش شکسته شد. زهرّا، بی‌آن‌که بداند چرا، همراه با پدر و مادر و خواهرش به آسمان پر کشید؛ نوزادی که جهان را با آغوش شناخت و در همان آغوش، از زمین جدا شد. باستانی خالی، که مظلومیتش یادآور کوچک‌ترین شهید کربلا بود؛ نوزادی که هنوز زبان نداشت، اما شهادتش بلندترین فریاد شد. پیکر کوچک او، در کنار خانواده‌اش، در گلزار شهدای شاپستگان امیرکلای بابل آرام گرفت. **س**مانه اعتمادی جم